

## معرفی نویسنده: صمد بهرنگی

صمد بهرنگی در تیرماه سال ۱۳۱۸ در یکی از خانه های جنوب محله ی چرنداب تبریز به دنیا آمد. کودکی را در خانواده ای زحمتکش به جوانی رساند و در سال ۱۳۳۶ با فارغ التحصیل از دانشسرای تربیت معلم، آموزگار روستاهای آذربایجان شد و یازده سال در ممقان، قد جهان، آذرشهر، گوگان و اخیرجان درس داد.

صمد در کنار شغل معلمی به نوشتن قصه و مقالات ادبی و تربیتی نیز می پرداخت. وی در ۱۷ شهریور سال ۱۳۴۷ در سن ۲۹ سالگی در رود ارس می گویند غرق شد ولی هرکس آثار صمد را مطالعه کند نظریات او را نسبت به ظلم و استثمار شاهان سرمایه داری و امپریالیزم و... می فهمد که او را واقعاً غرقش کردند، هر چند در آثار به جا مانده از او، صمد همیشه زنده است.

صمد بهرنگی عشق فراوانی به قهرمانان تاریخی که برای عدالت مبارزه می کردند داشت و در تمامی نوشته های خود سعی کرده از خوبی ها بگوید و بدی ها را نقد کرده و از بین ببرد. صمد بهرنگی در طول عمر نه چندان بلند خود توانست کارهای پرارزشی انجام بدهد.

گذشته از قصه های کودکان، که با بهترین نمونه های ادبیات کودک دنیا هم ترازند (ماهی سیاه کوچولو، یک هلو هزار هلو، الدوز و کلاغ ها، الدوز و عروسک سخنگو، کوراوغلو و کچل حمزه، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، پسرک لبو فروش، افسانه محبت، تلخون...) مقاله های زیادی هم نوشته است.

«کندوکاو در مسائل تربیتی ایران» مجموعه ی مقاله های تربیتی او، به صورت کتاب منتشر شده و باقی مقاله هایش به صورت مجموعه ای منتشر شده است. حاصل تلاش خستگی ناپذیر او برای جمع آوری ادبیات شفاهی مردم آذربایجان دفترهای

فولکور است که تاکنون سه جلد از آن منتشر شده. شعرهانی که از شاعران معاصر فارسی زبان به آذری ترجمه کرده نمودار قدرت و تسلطش به زبان آذری است.

قسمتی از مقاله صمد در همین سایت کتاب هنر و ادبیات، بخش «یادی از حیدر بابای شهریان» صفحه ی ۷۶ و ۷۷ نظر صمد را نسبت به «امپریالیسم آمریکا» و **حامیانشان و «پان ترکیسم» می خوانیم:**

" آقای فتحی برای دفاع از اشعار (!) مذکور، تقریظات روزنامه های اطلاعات و آلیک و مجله ی تورک کولتورو (فرهنگ ترک) را به رخ می کشند. در مورد نحوه ی اظهار نظر دوتای اولی اگر سخنی نگوییم بهتر است زیرا گورکن کنده بلدچی لازم دگیل. معادل ضرب المثل فارسی که می گوید: چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

اما آن سومی که از طرف «تورک آراشتیرما انستیتوتو» (مؤسسه ی تحقیقاتی ترک) منتشر می شود و آقای فتحی آن را به غلط «آریشدییرما (!) انیورسته سی» نوشته اند که اگر بخواهیم در بی معنابیش معنایی به آن بدهیم باید چنین ترجمه کنیم: دانشگاه تحقیقاتی (!)

در دو کلمه عرض شود که چرخ های این مؤسسه گویا با دلار آمریکایی می گردد و مأموریتش بخش و رواج افکار بی پایه ی «پان ترکیسم» است با تکیه بر خرافه پرستی و قضاوت های کورکورانه ی تاریخی و پیش داوری. یک نظر نسبتاً عمیق به مجله ی فرهنگ ترک این مسأله را ثابت می کند. حالا خودتان قضاوت کنید که تقریظ نشریه ی هم چو مؤسسه ای چه افتخاری می تواند باشد.

لازم به یادآوری است که آمریکا در جنگ کره در نتیجه ی همین گونه تبلیغات بود که سربازان ترکیه را به جنگ کشاند و آن هم چگونه."

یاشار آذری